

◆ نقش تحولات تاریخی پرروند حرکت‌های علمی ◆ ◆ در امپراطوری عثمانی ◆

□ دکتر سیدکاظم روحانی □

دانشگاه شهید بهمن اهواز

چکیده

با آنکه منابع و مأخذ متعددی در پیرامون تاریخ امپراطوری عثمانی به قلم آمده و پاره‌ای از آنان به فارسی هم ترجمه گردیده^(۱)، اما در زمینه حرکت‌های علمی در آن امپراطوری اشارت مبسوطی نداشته‌اند. حکومت دیرپای عثمانی بر چگونگی روند جریان‌های علمی و فرهنگی تأثیر بسزائی داشته است. بدون شک منزلت و اثرات نهادهای دینی و مدارس علمی در توسعه حرکت‌های فرهنگی جهان اسلام قابل انکار نیست. ایران اسلامی هم در ادوار مختلف شاهد اثرات دیرسال علمی و فرهنگی مدارس بوده است که نمونه آشکار آن مدارس نظامیه عصر سلجوقیان است. درین مقاله نقش تحولات تاریخی پرروند جریان‌های علمی در امپراطوری عثمانی به صورت اجمال مورد ارزیابی و ملاحظه قرار گرفته است.

۱- نگاهی به ادوار تاریخی امپراطوری عثمانی

ادوار تاریخی و سیر تحولات سیاسی امپراطوری عثمانی را می‌توان هم بر حسب اقتدار حکومت پادشاهان و هم به جهت جریان‌ات و وقایع برون مرزی و درون مرزی و یا مبتنی بر حرکت‌های علمی و فکری مورد ملاحظه قرار داد. حکومت

هفتصد ساله دولت عثمانی را با توجه به سقوط آن حکومت و تأسیس جمهوری ترکیه، می‌توان به ده دوره به شرح ذیل تقسیم نمود:

دوره اول: دوره تأسیس امپراطوری تا فتح استانبول ۱۴۵۳ م.

" دوم: عصر سلطان محمد فاتح.

" سوم: دوره آغاز گسترش و فتوحات: ۱۴۵۳ - ۱۵۹۳ م.

" چهارم: دوره توقف فتوحات: ۱۵۹۳ - ۱۶۸۳ م.

" پنجم: دوره شکست عثمانی‌ها: ۱۶۸۳ - ۱۷۸۹ م.

" ششم: عصر ضرورت اصلاحات سیاسی - اقتصادی: ۱۷۸۹ - ۱۸۴۰ م.

" هفتم: عصر قانون‌گرایی یا عصر تنظیمات: ۱۸۴۰ - ۱۸۷۰ م.

" هشتم: عصر استبداد سلطان عبدالحمید: ۱۸۷۰ - ۱۹۰۸ م.

" نهم: عصر مشروطیت: ۱۹۰۸ - ۱۹۲۴ م.

" دهم: عصر جمهوری ترکیه (۲).

البته این تقسیم‌بندی بیشتر بر محور تحولات تاریخی و سیاسی دولت عثمانی است. برای شناخت حرکتها و جریانات علمی باید به تقسیم‌بندی محدودتری به شرح ذیل عنایت داشت:

(۱) دوره اول: عصر شکوفائی و انکشاف مدارس علمیه.

(۲) دوره دوم: عصر استیلاء حکومت بر مدارس و اثرات آن.

(۳) دوره سوم: عصر برخورد آراء و عقاید و ظهور اندیشه‌های نو

۲- تاثیر تحولات سیاسی - تاریخی بر روند جریانات علمی و فرهنگی

سقوط خلافت عباسی و هجوم مغولان به ایران و دنیای اسلام هم از نظر سیاسی و هم از نظر معنوی ضربه‌ای غیر قابل‌جبران برای جهان اسلام بود (۳). چه، دگرگونی موازنه قدرت به دست بازماندگان چنگیز سبب تحولات سریع و شتابناک در دنیای اسلام گشت و همزمان با سقوط خلافت عباسی و سقوط اسماعیلیان در الموت، مغولان درصدد براندازی حکومت مسلمانان در مصر برآمدند که توفیق چندانی حاصل ننمودند (۴). و در حالی که جهان اسلام در شرایط انفعالی قرار گرفته بود، ظهور دولت نوپای عثمانی در آسیای صغیر و استقرار در آن منطقه و کسب

اقتدار سیاسی و نظامی و حتی دینی، چهره سیاسی جهان را دگرگون ساخت. اگرچه حمله تیمور به آسیای صغیر و به نیت براندازی دولت عثمانی، ضربه بزرگی به شمار می آمد اما جانشینان سلطان بایزید اول (معروف به ییلدرم بایزید) پس از حادثه آنقره، زمینه اقتدار مجدد را فراهم ساختند. و در حقیقت دولت عثمانی همان نقش سیاسی - فرهنگی - سلجوقیان آسیای صغیر را بر عهده گرفت و حتی از دیدگاه مشروعیت سیاسی خود را جانشین آن دولت می دانست^(۵).

با فتح استانبول به دست سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳، موازنه قدرت به نفع جهان اسلام دگرگون شد و مسلمانان پس از واقعه دهشتناک مغول و ضربات روانی ناشی از آن دوباره در برابر جهان مسیحیت قد علم نمودند و اقتدار حکومتی درزی جهاد اسلامی و حضانت از دارالسلام اسلامی مسئله ای نبود که دول اروپائی بتوانند به سادگی از آن بگذرند و لذا یک سلسله نبردهای خونین میان ترکان عثمانی و اروپائیان در گرفت که این مخاصمت ها تا سقوط عثمانی ادامه داشته است. و بدین سان امپراطوری عثمانی نه فقط از نظر سیاسی و یا نظامی کامیابی هائی به دست آورده بود بلکه از نظر علمی و فرهنگی هم به درجات راقیه دست یافت و البته این اعتلاء علمی بر همه ادوار تاریخ دیرسال عثمانی ها حاکم نبوده و بلکه در اثر تحولات سیاسی و یا اجتماعی دستخوش تحول می گردیده است.

مدارس علمیه در امپراطوری عثمانی قائمه و مرکز تحولات دینی، فکری و علمی به شمار می آمد، در حقیقت نوعی موافقت و هماهنگی میان دین و دولت وجود داشت که بیان هم تحولات و جریانات دینی درین مقاله مختصر نمی گنجد و فقط به فراز هائی از آن اشارت خواهد رفت^(۶).

۳- دوره اول: شکوفائی و انکشاف مدارس علمیه

دوره اول، دوره ای است که از تأسیس دولت عثمانی تا عصر سلطان سلیمان قانونی را در بر می گیرد. اصولاً، ترکان عثمانی خود را هم از نظر ساختار سیاسی و هم از نظر فرهنگی و اجتماعی ادامه حکومت سلجوقیان آسیای صغیر می دانسته اند. و با آنکه در دوره اول، دولت عثمانی دستخوش اغتشاشات و قیام های متعدد رقیبان و مخالفان بوده اما علیرغم درگیری ها و مصادمات، مدارس

علمیه و هم چنین جریانات فکری و فرهنگی از بالندگی برخوردار بوده است. دانشمندان و بزرگانی چند از ارباب و اصحاب مدرسه در تحکیم کیان علمی مدارس کوشیدند و خود پادشاهان عثمانی هم بی‌عنایت به علم و دانش نبوده و علماء را مورد تشویق و حمایت قرار می‌داده‌اند.

البته روند حوادث و اصلاحاتی که در امپراطوری عثمانی به وقوع می‌پیوست برچگونگی تحولات علمی هم مؤثر بوده است و این اصلاحات در ابعاد ذیل بوده است:

الف: اصلاحاتی که توسط پادشاهان در مملکت انجام می‌گرفت. این اصلاحات صرفاً جنبه سیاسی و یا اقتصادی داشته و البته با مشورت علماء انجام می‌پذیرفت. ب: اصلاحاتی که توسط وزیران تحقق می‌یافت که البته این حرکت‌های اصلاحی، انعکاسی بوده است در برابر مخالفتها و قیام‌های ولایات تابعه امپراطوری.

ج: اصلاحاتی که توسط اندیشمندان ارائه می‌گردید و بی‌تأثیر در جامعه آن روز نبوده است.

د: اصلاحاتی که توسط مشایخ و علماء دینی در مدارس علمیه انجام می‌گرفت. از آنجا که مقام فتوی و ریاست دینی و مسند شیخ‌الاسلامی در حکومت عثمانیان دارای نفوذ و اثر معنوی نیرومند بوده، لذا نحوه برخورد این بزرگان و رجال دین با حوادث و جریانات سیاسی و اجتماعی بسیار مهم و قابل تأمل بوده است.

حرکت‌های علمی که در امپراطوری عثمانی صورت می‌گرفت دارای دو جهت بود:

(۱) تحول در نوع تعلیم و تربیت مدارس

(۲) تجدید و تجددطلبی علمای دین (۷)

از جریانات بسیار مهم در دوره اول حکومت عثمانیان، نهضت شیخ بدرالدین است. در آن زمان در آسیای صغیر گذشته از اندیشه‌های دینی، سنت، اعتقادات شیعی هم در میان ترکان نفوذ یافته و خصوصاً سازمان فرهنگی - دینی اخوت و فتوت، نقش فعالی را در عرصه جریانات سیاسی ابراز می‌داشته است. (۸)

نهضت شیخ بدرالدین که خود یکی از علماء مدارس به‌شمار می‌آمد حرکتی بود برای مساوات‌طلبی و اصلاح مدارس علمیه و قیام علیه پاره‌ای از فقیهان وابسته

به حکومت عثمانیان^(۹). او شاگرد شخصی به نام فیض الله بود که به روایت مورخان عثمانی از شاگردان فضل الله حروفی به شمار می آمد. و ظاهراً سالیان طولانی درزی مدرس، در مدارس علمیه قاهره در مصر تدریس کرده بود و در نزد ممالیک مصر دارای شهرت و آوازه شده بود. حرکت انقلابی شیخ بدرالدین نه فقط در مدارس علمیه بلکه بر روند جریانات علمی و فرهنگی دولت و جامعه عثمانی تأثیر فراوان گذاشت، هرچند مورخان حکومتی دولت عثمانی از وی به نیکی یاد نکرده اند چه قیام او به معنی قیام علیه پادشاه عثمانی هم بود.

۴- دوره دوم: عصر استیلاء حکومت بر مدارس علمیه

درین دوره که بیشتر به عصر سلطان سلیمان قانونی اشتهاار دارد، دو جریان متفاوت بر حرکت های علمی در مدارس علمیه حاکم است:

جریان اول که مخالف حاکمیت و اقتدار دولت عثمانی بر مدارس است، و جریان دوم، در صدد تحکیم حاکمیت دینی و سیاسی بر مدارس است و سرانجام به جهت حوادث درون مرزی و برون مرزی، اغتشاشات و قیام های داخلی، نیرو گرفتن پنی چریها و تشکیلات نظامی و لشگری و استیلاء سلطان عثمانی بر همه امور، جریان دوم مستولی گشت و درین سطور به دو نمونه از حرکت های علمی و فکری در دوره مورد نظر اشاره می رود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف: نهضت قاضی زاده رومی

او یکی از شخصیت های علمی مشهور و اصلاح طلب امپراطوری عثمانی است که در نزد علماء و ارباب مدارس از اشتهاار علمی برخوردار بود. در زمان این عالم اندیشمند نه فقط علوم شرعی بلکه فلسفه هم در مدارس تدریس می گشت و قاضی زاده از مدافعان فلسفه و طرفدار مبارزه با تقشّر و تعصبات فکری بود و درین خصوص سالیان متمادی با علماء و فقهاء به مناظره نشست و سرانجام علماء مرتبط با حکومت عثمانیان با توسل به قدرت حاکمه، قاضی زاده را تکفیر و مصلوب نمودند و با اعدام قاضی زاده، آخرین جرقه های فکری و فلسفی هم در مدارس امپراطوری عثمانی به خاموشی گرائید^(۱۰).

ب: عصر ابوسعود افندی

وی شیخ الاسلام بلامنازع امپراطوری عثمانی بود. در عصر وی، دولت عثمانی تحت حکومت سلطان سلیمان قانونی، به اوج وسعت جغرافیائی و اقتدار نظامی و سیاسی رسیده و هم چنین نوعی وحدت فکری میان سلطان و شیخ الاسلام وجود داشت و هم چنین هماهنگی، سبب استیلاء دولت بر مدارس علمیه شد که اثرات آن سالیان طولانی برجای ماند.

در زمان ریاست دینی و زعامت ابوسعود افندی، دو جریان متفاوت در امپراطوری روی داد:

الف: جریان اول: اینکه مدارس علمیه دستخوش تحولات کمی و کیفی گردید و مدارس عملاً تحت نفوذ و حمایت سیاسی و مالی دولت قرار گرفت و استقلال فکری و اقتصادی خود را از دست داد. مقامات و مناصب دینی و حتی مقام شیخ الاسلامی، از سوی سلطان منصوب می شد.

ب: جریان دوم اینکه، مدارس و مراکز علمی اختصاصی شد. و مبارزه با فلسفه رواج یافت. و دانشمندان طرفدار فلسفه، منزوی گردیدند. و حکومت عثمانیان رابطه میان ایرانیان و شیعیان مقیم ترکیه عثمانی با دولت صفوی را با سوءظن نگرسته و براندازی دولت صفوی در صدر برنامه های نظامی سلطان سلیمان قانونی بود و تا آنجا که ابوسعود افندی فتاوائی علیه حکومت صفویان صادر نمود که در اثر همین فتاوی، سالیان متمادی میان دولت عثمانی و صفوی منازعه و جدال برقرار بوده است (۱۱).

روند تحولات سیاسی و مبارزه با ایران صفوی و خطر قیام شیعیان آناتولی و مخالفین دولت عثمانی سبب شد که مدارس علمیه رونق فکری گذشته را از دست بدهد و مدارس عملاً از محتوی و کیفیت افتاد و این دوره تعطل حتی بعد از حکومت سلیمان قانونی، سالیان متمادی در امپراطوری عثمانی ادامه یافت که خود یکی از عوامل عقب افتادگی عثمانیان به شمار می آمد (۱۲).

۵- عصر ظهور اندیشه های نو و برخورد آراء

بدون شک، استبداد پادشاهان عثمانی و ظهور قیام های مردمی در استانبول و

ولایات تابعه و شکست‌های متعدد آنان در اروپا سبب تحولات سیاسی و اجتماعی در حکومت عثمانی‌ها گشت که این دگرگونی‌ها، بر روند جریان‌های علمی و فکری در امپراطوری هم تأثیر عمیق برجای گذاشت که به‌سه حرکت مهم درین خصوص اشاره می‌رود:

۱) تأیید اصلاحات اجتماعی از سوی شیخ‌الاسلام اسعدافندی^(۱۳) و تأسیس چاپخانه و نشر روزنامه که البته این حرکت روشنفکرانه و با اصابت شیخ‌الاسلام، مورد تعرض طلاب مدارس قرار گرفت. و نفوذ نظامی و سیاسی ینی‌چری‌ها هم بی‌تأثیر نبوده است. بعد از اعدام قاضی زاده رومی، این اولین حرکت نوجوئی و نوگرایی در امپراطوری عثمانی بوده است.

۲) عصر تنظیمات یا قانون‌گرایی

یکی از اثرات تنظیمات که تفصیل آن را باید در تاریخ سیاسی - اجتماعی عثمانیان جستجو کرد، محدود شدن قدرت و نفوذ نهاد دینی بوده است. هرچند تلاش‌های بیوک رشید پاشا در ایجاد تحول در جامعه عثمانی مورد قبول بزرگان و مشایخ علمیه قرار نگرفت اما اثرات حرکت تنظیمات سالیان متمادی برجای ماند. یا آنکه علماء مدارس عثمانی با درایت و دوراندیشی می‌توانستند عامل سازنده‌ای بر روند ترقی و پیشرفت امپراطوری گردند اما برحسب برداشت‌های منفی از اصلاحات و خوف از اعتراض عوام، با تجددگرایی با شدت مخالفت نموده و آن را سازگار با مصالح شریعت تشخیص ندادند و محدودده اصلاحات را فقط مشروط به تحدید قدرت سیاسی سلطان تلقی می‌نمودند.

۳) عصر بعداز تنظیمات: فرمان خط همایون

عدم تحقق اصلاحات صدراعظم رشید پاشا، زمینه را برای افتراق اندیشمندان فراهم ساخت، آنگونه که روشنفکرانی مانند نامق کمال، عاطف افندی، رفعت افندی، عملاً در برابر علماء مدارس موضع‌گیری نمودند. اگرچه این اندیشمندان علاقمند به اعتلاء وطن و نجات حکومت در حالا احتضار عثمانی بودند اما نتیجه تلاش‌های آنان به معنی تضعیف نهادهای دینی تلقی شد و حتی مورد تکفیر قرار گرفتند.

اجرای فرمان خط همایون، اولین پیروزی غرب باوران عثمانی بود و آغاز

مجاوبه و رویارویی علنی میان رجال سیاسی و علماء مدارس. اصحاب مدارس و بزرگان دینی، روند اصلاحات را نوعی اسلام ستیزی تلقی نموده که این مناقشات تا زوال و سقوط امپراطوری ادامه داشته است. در اثر صدور فرمان خط همایون سه جریان فکری - سیاسی در امپراطوری عثمانی مطرح شد: اتحاد اسلام، اتحاد ترکان، اتحاد عثمانی‌ها.

موضع‌گیری علماء در برابر پاره‌ای از مواد قانون خط همایون، به جهت ضعف قدرت پادشاه، درگیریهای برون مرزی، انقلابات بالکان نتوانست چندان مؤثر واقع شود و دولت بیمار اروپا یعنی امپراطوری عثمانی هم قدم به قدم به سوی انحطاط پیش می‌رفت و در تعاقب آن، نفوذ علماء و مدارس علمیه نقصان پذیرفت و حتی فتوای شیخ الاسلام عثمانی در آستانه جنگ جهانی اول که سبب تشکل مردم شده بود و به نهضت اتحاد اسلام رونق بخشیده بود نتوانست نفوذ دیرینه علماء را احیاء کند.

موضع‌گیری علنی و آشکار شیخ الاسلام عثمانی و علماء مدارس در نبرد استقلال و جنگ داخلی ترکیه علیه مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) سبب شد که با اعلان جمهوری، قدرت و نفوذ مدارس به ضعف گراید و تا آنجا که در سال ۱۹۲۷ میلادی، آتاتورک، دستور انسداد مدارس دینی را صادر کرد و بدین سال آخرین شعله‌های کم رنگ و بی‌سوی تشکیلات علمی مدارس به خاموشی گرائید. و تحصیلات دینی به‌روش مدارس حوزوی برای همیشه در ترکیه منسوخ شد.

حواشی و تعلیقات

۱. به‌عنوان نمونه بنگرید به هامرپورگشتال، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به‌اهتمام جمشید کیان‌فر، (تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۷)، اسماعیل حقی اوزون چار شمالی، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، (تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸)، کین راس، قرون عثمانی، ترجمه پروانه ستاری، (تهران، انتشارات کهکشان، ۱۳۷۳)، استانفوردجی، شاول، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، (مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۰)، نوئل باربر، فرمان روایان شاخ زرین، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، (تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۴)، در بستر مقاله به منابع تخصصی‌تر دیگر هم اشاره خواهد شد.
۲. هامرپورگشتال، مأخذ یاد شده، خلیل اینالجا، امپراطوری عثمانی، ج اول، استانبول، ترکیه، اوزون چار شمالی، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، ج اول، فصل پنجم ص ۱۳۶

به بعد. ییلماز ازتونا، تاریخ ترکیه (تاریخ مصور ترکیه)، استانبول، انتشارات حیات، ص ۵۳ به بعد.

۳. قاضی منهاج سراج جوزجانی، طبقات ناصری، تصحیح و مقابله عبدالحی حبیبی، تهران؛ دنیای کتاب، ج ۲، در ذکر خروج مغول ص ۹، مقایسه شود با تاریخ مغول تألیف مرحوم عباس اقبال، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۰۲، پرتولد اشیدلر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، صص ۱۸۵-۲۰۲.

۴. شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۸۶۸.

۵. کریم آقزائی، مسامره الاخبار و مسایره الاخیار، تصحیح دکتر صادق عدنان اوزی، استانبول، ص (۶-۶۰)، مقایسه شود، دکتر محمدجواد مشکور، اخبار سلاجقه زوم با متن کامل سلجوقنامه ابن بی بی، تبریز، ۱۳۵۰، ص ۳۹ به بعد، اوزون چار شمالی، حکومت‌های محلی آناتولی، آنکارا، ۱۹۶۵، فریدون نافذ اوزتورک، تاریخ سلاجقه آناتولی، ۱۹۵۲ میلادی.

۶. دکتر عدنان آدیوار، تاریخ علوم در امپراطوری عثمانی، استانبول، ص ۵۱، مقایسه شود با کتاب تشکیلات علمیه عثمانی‌ها تألیف استاد اوزون چار شمالی، چاپ استانبول، حسین شهنسوار اوغلو، استانبول در مسیر تاریخ، استانبول، انتشارات جمهوریت، مصطفی صبری افندی، نوآوران و مصلحان دینی، استانبول، ۱۹۶۸ م.

۷. عبدالقادر آلتون سو، شیخ الاسلام‌های عثمانی، استانبول، ۱۹۶۰.

۸. مصطفی آق داغ، تاریخ اقتصادی و اجتماعی ترکیه، آنکارا، ۱۹۵۶، ج اول، فصل سوم، مقایسه شود با سماوی، زاویه‌ها و مؤسسات دینی در امپراطوری عثمانی، استانبول، ۱۹۵۲، ص ۴۰، استاد فواد قوپرولر، تاریخ ادبیات ترکیه، ۱۹۱۸، ترکیه - شهر بوسا، آرشیو سجات شریعه در رابطه با اخی‌ها و اخوت، عبدالباقی گول پینارلی، تشکیلات فتوت در جهان اسلام و ترکیه، مجله دانشکده اقتصاد دانشگاه استانبول، سال ۱۹۴۶.

۹. عبدالباقی گول پینارلی، شیخ بدرالدین پسر قاضی سماونا، استانبول، ۱۹۶۶، عصمت زکی اوغلو، شیخ بدرالدین و واردات، استانبول، ۱۹۸۰، مظفر سنجر، عثمانلی توپلوم یاپسی، استانبول، ۱۹۷۲، طاش قوپروزاده، شائق النعمانیه، نسخه خطی کتابخانه سلیمانیه استانبول، ترکیه.

۱۰. عدنان آدیوار، تاریخ علوم در امپراطوری عثمانی، ص ۹۲، اوزون چار شمالی، تاریخ عثمانی، ج ۲، ص ۶۱۷، مصطفی صبری افندی، نوآوران و مصلحان دینی، استانبول، ۱۹۶۸.

۱۱. مجموعه فتاوی ابوسعود افندی موجود در کتابخانه مسجد سلطان محمد فاتح در استانبول، و مقایسه شود با کتاب مناسبات عثمانی با صفویه تألیف کتوتک اوغلو، ج ۱، استانبول، ص ۳۰ به بعد، طاش قوپروزاده، الشقائق النعمانیه فی علماء الدوله العثمانیه، خطی، کتابخانه مسجد سلیمانیه استانبول، ترکیه، هامرپورگشتال، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، ج ۲، انتشارات زرین، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳۰.

۱۲. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: تاریخ ادبیات ترک از لوند آگاه، آنکارا، ۱۹۷۳، حدیقه الجوامع از حافظ حسین، استانبول، ۱۹۳۶، دوحه المشایخ از سلیمان سعدالدین مسقیم زاده، استانبول، ۱۹۸۰، کاتب، چلبی، میزان الحق، استانبول، ۱۹۴۹، تواریخ آل عثمان از لطفی پاشا، استانبول، ۱۹۲۵، مدخلی برامپراطوری عثمانی، تألیف خلیل اینال جیک، استانبول، ۱۹۵۸.

۱۳. عبدالقادر آل‌تورن سو، شیخ‌الاسلام‌های عثمانی، استانبول، قسمت احوال اسعدافندی.

فهرست منابع و مصادر مقاله

الف: مخطوطات

۱- ابوسعودافندی، مجموعه فتاوی، موجود در کتابخانه مسجد سلطان محمدفاتح، استانبول، ترکیه.

۲- تاش قوپروزاده، شقائق النعمانیه، خطی، کتابخانه مسجد سلیمانیه - استانبول - ترکیه.

۳- سجلات شرعیه موجود در شهر بوسا - ترکیه.

ب: کتب و آثار چاپی (فارسی - ترکی)

۱- آقسرائی، کریم، مسامره الاخبار و مسایره الاخیار، تصحیح دکتر صادق عدنان ارزی، استانبول.

۲- آدیوار، عدنان، تاریخ علوم در امپراطوری عثمانی، استانبول، چاپ کتابخانه رمزی.

۳- آلتون سو، عبدالقادر، شیخ‌الاسلام‌های عثمانی، استانبول، ۱۹۶۰

۴- آق داغ، مصطفی، تاریخ اقتصادی و اجتماعی ترکیه، آنکارا، ۱۹۵۶.

۵- آگاه، لوند، تاریخ ادبیات ترک، آنکارا ۱۹۷۳.

۶- اوزون چارشمالی، اسمعیل حقی، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نویخت، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸.

۷- اوزون چارشمالی، اسمعیل حقی، حکومت‌های محلی آناتولی، آنکارا، ۱۹۶۵.

۸- تشکیلات علمی عثمانی‌ها، استانبول.

۹- اوزتورک، فریدون نافذ، تاریخ سلاجقه آناتولی، ۱۹۵۲.

۱۰- اوزتونا، ییلماز، تاریخ مصور ترکیه، استانبول، انتشارات حیات.

۱۱- اینال جیق، خلیل، مدخلی برامپراطوری عثمانی، استانبول، ۱۹۵۸.

۱۲- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.

۱۳- اشیپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

۱۴- بباریر، نوثل، فرمان‌روایان شاخ‌زرین، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشرگفتار، ۱۳۶۴.

۱۵- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

- ۱۶- جوزجانی، قاضی منہاج سراج، طبقات ناصری، تصحیح و مقابله عبدالحمی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ۱۷- چلبی، کاتب (حاجی خلیفه)، میزان الحق، استانبول، ۱۹۴۹.
- ۱۸- حافظ حسین، حدیقه الجوامع، استانبول، ۱۹۳۶.
- ۱۹- راس، کین، قرون عثمانی؛ ترجمه پروانه ستاری، تهران، انتشارات کهکشان، ۱۳۷۳.
- ۲۰- متناو، استانفوردجی، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۲۱- سماوی، زاویه‌ها و مؤسسات دینی در امپراطوری عثمانی، استانبول، ۱۹۵۲.
- ۲۲- سنجر، مظفر، عثمانلی توپلوم یاپسی، استانبول، ۱۹۷۲.
- ۲۳- شهنسوار اوغلو، حسین، استانبول در مسیر تاریخ، استانبول، انتشارات جمهوریت.
- ۲۴- صبری افندی، مصطفی، نوآوران و مصلحان دینی، استانبول، ۱۹۶۸.
- ۲۵- عصمت زکی اوغلو، شیخ بدرالدین و واردات، استانبول، ۱۹۸۰.
- ۲۶- کوپرولو، فواد، تاریخ ادبیات ترکیه، استانبول، ۱۹۱۸.
- ۲۷- کوتوک اوغلو، مناسبات عثمانی با صفویه، ج ۱، استانبول.
- ۲۸- گول پینارلی، عبدالباقی، شیخ بدرالدین، استانبول، ۱۹۶۶.
- ۲۹- گول پینارلی، عبدالباقی، تشکیلات فتوت در جهان اسلام و ترکیه، مجله دانشکده اقتصاد دانشگاه استانبول، ۱۹۴۶.
- ۳۰- لطفی پاشا، تواریخ آل عثمان، استانبول، ۱۹۲۵.
- ۳۱- مستقیمزاده، سلیمان سعدالدین، دوحه المشایخ، استانبول، ۱۹۸۰.
- ۳۲- هامر، پورگشتال، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آیبادی، به‌اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۷.

یادآوری:

به‌جهت نبودن حروف لاتین ترکی استانبول و دشواری ضبط کلمات، نام منابع و مأخذ در حد مقدور و توان به‌فارسی (اما با کتابت ترکی) آورده شد.